

## نقش و جایگاه تمدنی مقاومت

محمد جواد اصغری<sup>۱</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نقش و جایگاه تمدنی مقاومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی انجام شده است. با استفاده از روش توصیفی-تبیینی و مطالعه کتابخانه‌ای، چارچوب نظری تحقیق مقاومت اسلامی به‌عنوان یک پارادایم تمدنی و فراتر از یک استراتژی صرفاً دفاعی تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقاومت اسلامی در سه سطح کلان، کارکرد تمدنی ایفا می‌کند:

۱. کارکرد دفاعی - حفظی (جلوگیری از فروپاشی تمدن اسلامی): مقاومت با احیای گفتمان عزت و استقلال و مقابله با اشغالگری (مانند موارد افغانستان، فلسطین و لبنان) مانع از تکمیل فرآیند فروپاشی تمدن اسلامی و از دست رفتن «هسته سخت» آن (سرزمین‌های اسلامی) شده است.

۲. کارکرد هویتی - فرهنگی (جلوگیری از انحلال در تمدن غرب): در سایه استبداد داخلی مقاومت به عنوان سدی در برابر تهاجم و استحاله فرهنگی تمدن مادی غرب عمل کرد. نمونه‌های بارز این نقش، انقلاب اسلامی ایران و قیام مردم یمن است.

۳. کارکرد آینده‌ساز - خلاقانه (تقویت ظرفیت تمدن‌سازی): این پیشرفته‌ترین نقش مقاومت است که با شکستن انفعال، زمینه را برای گذار به مرحله سازندگی تمدنی فراهم می‌کند. این سه کارکرد در یک زنجیره تکاملی (بقا، تمایز هویتی و شکوفایی) قرار دارند و نشان می‌دهند که مقاومت اسلامی نه تنها یک ضرورت دفاعی، بلکه یک جریان زایا و پیش‌ران برای احیا و شکوفایی تمدن نوین اسلامی مبتنی بر عدالت و معنویت است. این گزینه و کارکرد فعلا در جمهوری اسلامی ایران محقق شده است و بقیه محور مقاومت به چنین ظرفیتی دست نیافته‌اند.

**کلمات کلیدی:** مقاومت اسلامی، تمدن نوین اسلامی، تمدن‌سازی، مقاومت، تهاجم فرهنگی، انقلاب اسلامی ایران.

---

۱. دکترای حقوق خصوصی و دانش آموخته جامعه‌المصطفی (ع) العالمية. ۰۹۱۹۳۵۱۰۷۸۲

## مقدمه

تمدن نوین اسلامی به عنوان یک الگوی بدیل در برابر تمدن غربی، نیازمند بازتعریف مفاهیم پایه‌ای و ارائه سازوکارهای عملیاتی است. مقاومت اسلامی به عنوان یک پارادایم اصیل در اندیشه اسلامی، توانسته است در چند دهه اخیر نقش مهمی در تقویت بنیان‌های تمدنی ایفا کند. این پژوهش با هدف تبیین علمی ارتباط بین مقاومت اسلامی و تمدن اسلامی، به شناسایی کارکردهای و سازوکارهای تأثیرگذاری این اندیشه می‌پردازد. بر اساس مطالعات صورت گرفته، مقاومت اسلامی تنها یک استراتژی دفاعی نیست، بلکه یک جریان فکری تمدنی است که نقش‌های متعددی در تمدن دارد از حفظ آن تا ظرفیت‌سازی تمدن که می‌تواند زمینه ساز ظهور تمدنی نوین اسلامی مبتنی بر عدالت و معنویت باشد. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های عصر ما در سرزمین‌های جهان اسلام، «مقاومت» است؛ مقاومتی سیاسی، رسانه‌ای و مسلحانه. جهان اسلام در این عصر - به طور خاص - با دو نوع ستم و آزار سیاسی، امنیتی و اقتصادی از سوی حاکمان ستمگر و از سوی اشغالگر بیگانه کافر، دست و پنجه نرم می‌کند. برای مواجهه و رویارویی با این وضعیت اسف‌بار ستم و استبداد سیاسی و نفوذ و اشغال کفار در کشورهای اسلامی و رابطه نامیمون و پلیدی که میان حاکمان ستمگر، حاکم بر کشورهای اسلامی با سران مستکبر جهانی برقرار است... برای مقابله با این شرایط تأسف‌بار، چاره‌ای جز «مقاومت» و «فرهنگ مقاومت» و «آماده‌سازی و تدارک برای مقاومت» و گسترش «فرهنگ مقاومت» نیست. چه مقاومت به شکل ایجابی باشد یا شکل منفی، مقاومت مردمی و مقاومت مسلحانه. مقاومت ابزار برتر و کارآمدی است که جز آن، هیچ ابزاری برای رویارویی با استبداد سیاسی داخلی و اشغال نظامی و نفوذ سیاسی و فرهنگی خارجی در اختیار نداریم.

با وجود تأکیدات مکرر رهبران انقلاب اسلامی ایران بر اهمیت مقاومت به عنوان یک راهبرد تمدن‌ساز، خلأ پژوهشی قابل توجهی در زمینه تبیین علمی شاخص‌ها و سازوکارهای این ارتباط وجود دارد. پرسش این است که مقاومت اسلامی صرفاً یک راهبرد دفاعی است یا می‌تواند به عنوان یک الگوی تمدن‌ساز عمل کند؟ چه شاخص‌هایی از مقاومت اسلامی بر تمدن‌سازی تأثیرگذارند و میزان تأثیر هر یک چگونه است؟ این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات اساسی است.

## پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی به بررسی ابعاد مختلف مقاومت اسلامی و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند. برای مثال، قاسمی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی شاخص‌های مقاومت اسلامی و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی» به بررسی چهار بعد اسلام سیاسی، انسجام اسلامی، حکمرانی اسلامی و دفاع مردم‌پایه پرداخته است. از سوی دیگر، اکبری (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل آثار و نتایج شاخصه‌های مقاومت اسلامی بر تمدن نوین اسلامی» بر نقش مفاهیمی مانند توحیدباوری، وحدت کلمه و اطاعت از

رهبری تأکید کرده است. همچنین، جمالی (۱۴۰۳) در سخنرانی‌ای با عنوان «نقش جبهه مقاومت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» به تحلیل تاریخی مقاومت از صدر اسلام تاکنون پرداخته و آن را به عنوان عاملی کلیدی در مقابله با استکبار جهانی دانسته است. با این حال، اغلب این مطالعات به صورت پراکنده به موضوع پرداخته‌اند و یک چارچوب نظری جامع برای تبیین نقش مقاومت در تمدن‌سازی وجود ندارد، ولی این پژوهش نقش مقاومت و کارکردهای آن را به صورت عینی موارد و مصادق بیرونی را بیان نموده است.

### روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، از نوع بنیادی - کاربردی است. از آنجا که به تدوین مبانی نظری و شناخت اهداف عمیق انقلاب اسلامی و محور مقاومت می‌پردازد، واجد ویژگی پژوهش بنیادی است و از سوی دیگر، با تبیین چگونگی نقش‌آفرینی انقلاب در تمدن‌سازی، در پی ارائه الگو و راهکار برای عمل در عرصه جامعه و تمدن است که آن را در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌دهد. از نظر روش گردآوری داده‌ها، این تحقیق توصیفی-تبیینی است که در آن پدیده‌های مرتبط با انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی توصیف شده و سپس روابط بین آنها به منظور تبیین چرایی و چگونگی نقش‌آفرینی تمدنی تحلیل می‌گردد. این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی با بهره‌گیری از دو تکنیک تحلیل مضمون و تحلیل گفتمان به صورت تلفیقی استفاده نموده است.

**گردآوری داده‌ها:** داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه منابع اولیه و ثانویه گردآوری خواهند شد. منابع اولیه شامل بیانات بنیانگذار و رهبران انقلاب اسلامی، اسناد بالادستی (مانند قانون اساسی و سند چشم‌انداز)، و متون کلاسیک اسلامی مرتبط با تمدن است. منابع ثانویه شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و تحلیل‌های پژوهشی معتبر هستند.

نمونه‌گیری به صورت هدفمند و بر اساس دو معیار اصلی انجام می‌پذیرد:

- الف. کارکردی: انتخاب منابعی که به طور مستقیم به مفاهیم کلیدی مانند «اهداف انقلاب»، «تمدن اسلامی»، «مقاومت»، «هویت‌سازی» و «ظرفیت‌سازی» بپردازند.
  - ب. جغرافیایی - محتوایی: تمرکز بر منابعی که انقلاب اسلامی ایران را به عنوان یک محور مهم مقاومت در نظر گرفته و نقش آن را در تحولات منطقه‌ای و تمدنی تحلیل کرده‌اند.
- داده‌های گردآوری شده در دو سطح تحلیل خواهند شد:

۱. تحلیل مضمون: از این روش برای استخراج، دسته‌بندی و تحلیل مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر موجود در متون استفاده می‌شود. این مرحله به شناسایی نظام فکری، ارزش‌ها و اهداف نهفته در گفتمان انقلاب اسلامی کمک می‌کند. برای مثال، مضامینی مانند «استقلال، عدالت، معنویت، مقاومت و پیشرفت» به عنوان اهداف انقلاب استخراج و شبکه ارتباطی آنها ترسیم می‌گردد.
۲. تحلیل گفتمان: از این روش برای درک چگونگی ساخت معنا و بازنمایی واقعیت در گفتمان



انقلاب اسلامی استفاده می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی چگونه "خود"، "دیگری" (مانند استکبار)، "مقاومت" و "تمدن نوین اسلامی" را بازتعریف کرده و چگونه این بازتعریف، زمینه‌ساز کنش‌های تمدن‌ساز شده است. تحلیل گفتمان به ما کمک می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهیم که "انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند در تمدن ایفای نقش نماید".

**مدل تحلیلی:** در نهایت، با تلفیق یافته‌های حاصل از دوروش فوق، مدل تحلیلی جامعی طراحی می‌شود که نشان می‌دهد انقلاب اسلامی با چه اهدافی (مستخرج از تحلیل مضمون) پدید آمد و این اهداف چگونه از طریق بازتولید یک گفتمان خاص (مستخرج از تحلیل گفتمان)، ظرفیت‌ها و سازوکارهای لازم برای هویت‌سازی تمدنی و ایفای نقش در تمدن‌سازی اسلامی (به ویژه از کانون مفهوم مقاومت) را فراهم می‌آورد.

### چارچوب نظری و مفهومی

در این چارچوب، مقاومت اسلامی نه تنها به معنای مقابله نظامی، بلکه به عنوان یک استراتژی تمدنی در نظر گرفته می‌شود که دارای ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. این نظریه بر اساس مطالعات موردی از مقاومت در جهان اسلام توسعه یافته است.

#### الف. مفاهیم

##### ۱) مفهوم مقاومت

واژه‌ی «مقاومت» از ریشه‌ی «قام» یا «قیام» گرفته شده و در لغت به معنای برخاستن، به پا خاستن، پایدار ماندن، ثبات و دوام است (راغب/صفهانی، ۱۴۱۳، ۶۹۰). این واژه بر وزن «مفاعله» بوده و دلالت بر عمل متقابل دارد؛ از جمله هم‌برخاستن، ایستادگی و پایداری در برابر دیگری، یا ضدیت و مقابله با نیرویی معین. اگرچه واژه‌ی «مقاومت» به صراحت در قرآن کریم نیامده، اما ریشه‌های قرآنی آن در قالب مشتقات «استقامت» قابل ردیابی است (توبه/۷؛ یونس/۸۹؛ هود/۱۱۲؛ فصلت/۳۰ و ۳۱؛ شوری/۱۵؛ احقاف/۱۳؛ جن/۱۶؛ تکویر/۲۸). آیات مربوط به استقامت در هشت سوره و در نه مورد از قرآن مجید ذکر شده است. بر اساس کاربردهای این واژه در فرهنگ‌های لغت، دامنه‌ی مفهومی مقاومت تنها به رویارویی در میدان جنگ محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه پایداری در برابر عوامل برهم‌زننده‌ی تعادل و توازن را شامل می‌گردد؛ خواه این عامل درونی باشد، مانند امیال نفسانی یا بیماری، و خواه بیرونی، همچون تجاوز و اشغالگری (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱، ۷۰) در اصطلاح و در گفتمان معاصر، مقاومت به معنای ایستادگی، پایداری، مخالفت با ستم و نبرد در راه آرمان‌های برحق تعریف می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۳، ج ۶، ۶۱) «مقاومت اسلامی» اشاره به ائتلاف و همگرایی نهضت‌های اسلامی و جوامع اسلامی در چارچوب مفهوم «امت اسلامی» به هدف مقابله با استکبار جهانی و استبداد داخلی شکل گرفته است. (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱، ۷۰-۷۱؛ رضا خواه، ۱۳۹۲، ۳۳)

به این ترتیب، مقاومت به مثابه ثبات قدم، ایستادگی در برابر خواسته‌های دشمن و تلاش برای تحقق اراده‌ی ملت‌ها، مفهومی پیرامنه و تاریخی است که همواره در تقابل جبهه‌ی حق و باطل حضور داشته است. هنگامی که این قیام و پایداری بر مبانی اسلامی استوار گردد، به «مقاومت اسلامی» تبدیل می‌شود.

هدف اصلی این حرکت، حفظ سرزمین‌های اسلامی و حمایت از مسلمانان، مظلومان و مستضعفان و حراست از عناصر تمدنی اسلام، دستیابی به عدالت، مقابله با سلطه‌گری و کسب استقلال همه‌جانبه است.

## ۲) مفهوم محور مقاومت

مقاومت به معنای ایستادگی و ثبات قدم در راه مبارزه با دشمنان خارجی و استبداد داخلی، می‌باشد. مهم‌ترین کشورها و گروه‌های عضو جبهه‌ی مقاومت اسلامی شامل ایران، سوریه، عراق، حزب الله لبنان، شیعیان نیجریه، افغانستان، یمن، پاکستان، بحرین و فلسطین هستند (سیرت محمدی و ترابی اقدم، ۱۳۹۶، ۶۹). این مجموعه ارتباط هماهنگ و نزدیک با هم دارند چنانچه در جنگ سوریه و در جنگ غزه بعد از طوفان الاقصی همکاری و هماهنگی نزدیکی باهم داشته‌اند. این محور در سال‌های اخیر، هم در عرصه‌ی گفت‌وگویی و هم از نظر گستره‌ی جغرافیایی، موفقیت‌های چشم‌گیری کسب کرده است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۳، ۱۰۳-۱۰۸). اصطلاح «محور مقاومت» برای نخستین بار از سوی روزنامه‌ی لیبیایی «الزحف الأخضر» در واکنش به عبارت «محور شرارت» - که توسط جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۲ میلادی مطرح شد - به کار رفت. در این نگاه، کشورهایی که از سوی رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان «محور شرارت» معرفی شدند، در واقع هسته‌ی اصلی «محور مقاومت» در برابر سلطه‌گری ایالات متحده و تلاش‌های آن برای چیرگی بر دیگر کشورها به‌شمار می‌روند (کریمی، ۱۳۹۶، ۱-۱۴). هدف اصلی این محور، مقابله با سلطه‌طلبی آمریکا، مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و مخالفت با سیاست‌های استبدادی برخی حکومت‌های خودکامه منطقه است. همچنین، بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی فلسطین و جلوگیری از غارت منابع کشورهای اسلامی از دیگر اهداف عینی و مشخص این محور در غرب آسیا محسوب می‌شود.

## ۳) مفهوم تمدن

تمدن هم وزن حصّر به معنای متمدن کردن از حال توحش بیرون آوردن آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ۶۴۸). تمدن معادل کلمه «الْحَضَارَةُ» در زبان عربی به معنای اقامت در شهر است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ۱۰۳). برخی از لغت‌نویسان نوشته‌اند: مجموعه دست‌آوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور، یا عصر معین یا حالت پیشرفته و سازمان یافته‌ای فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر، و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ۱۸۹۴). در اصطلاح تعاریف متعددی از تمدن ارائه شده یکی از شرق‌شناسان در تعریف تمدن نوشته است: «تمدن مجموعه اندوخته‌ها و ساخته‌های معنوی و مادی در طول تاریخ انسان» (ویل دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ۵) و منظور از تمدن اسلامی مجموعه افکار،

عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه‌های دینی توسط مسلمین پدید آمده است. با این نگرش، تمدن اسلامی را به طور کلی می‌توان این گونه تعریف کرد: تمدن اسلامی با نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی، که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد. از این رو، تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست، بلکه مقصود، تمدن ملت‌های اسلامی است که عرب‌ها، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود. (مجموعه مقالات، بی‌تا، ۱۹۱)

تمدن اسلامی در مقابل تمدن غربی قرار دارد که مبتنی بر یک سری اصولی است که جنبه‌ای زیربنایی دارد و جهان‌بینی مانند اومانیسم (انسان‌مداری)، راسیونالیسم (اصالت عقل) لیبرالیسم (آزادی خواهی مطلق) سیکولاریسم (جدای دین از سیاست) دموکراسی (حکومت مردم بر مردم) و ناسیونالیسم (ملی گرایی).

### ب. مبانی نظری

#### ۱) مبانی مقاومت

بی‌گمان یکی از مباحث نظری بنیادین در گفتمان «مقاومت اسلامی» مسأله مشروعیت و مبانی آن است. پرسش اصلی این است که پشتوانه شرعی و دینی مقاومت، چیست؟ آیا در فقه اسلامی، عنوان مشخصی مرتبط به این موضوع وجود دارد، یا آن‌گونه که غربی‌ها ادعا می‌کنند، مقاومت یک عمل خشونت‌بار و تروریستی است که فاقد مبانی حقوقی است؟

آیات و روایات فراوانی در زمینه دفاع از سرزمین اسلامی و ارزش‌های دینی وجود دارد، اما در فقه اسلامی که به تبیین احکام عملی می‌پردازد، مشروعیت مقاومت به صورت مدوّن تحت عنوان «دفاع» در کنار «جهاد» مطرح شده است. این دو، باب‌هایی جداگانه با احکام مشخص و قلمرو جداگانه در فقه اسلامی هستند. جنگیدن با کسانی که قصد جان، مال، عرض و ناموس کسی را دارد یا جنگیدن با دشمنان اسلام که قصد تجاوز و سلطه بر سرزمین اسلامی دارد، بدون حضور امام معصوم علیه السلام یا نماینده او جهاد محسوب نمی‌شود، بلکه عنوان دفاع بر آن اطلاق می‌گردد. (الطباطبائی، ۱۴۱۵، ج ۷،) به طور کلی، بحث دفاع (مقاومت در فقه اسلامی ذیل سه عنوان اصلی قابل بررسی است:

#### • مقاومت فردی (دفاع شرعی)

این نوع مقاومت، پاسداری از جان، ناموس، عرض و مال در برابر متجاوز است که تحت عنوان «دفاع شرعی» شناخته می‌شود. فقه اسلامی برای این دفاع، احکام، شرایط و حدودی دقیق تعیین کرده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ۱۶) با این حال، از آنجا که بحث کنونی ما معطوف به مقاومت به مثابه یک مفهوم سیاسی و عرفی شده است، این عنوان خارج از حوزه بررسی حاضر قرار می‌گیرد.

• مقاومت اجتماعی در برابر حاکم ظالم

یکی از مباحث مهم در فقه سیاسی بحث چگونگی مواجهه با حاکم ظالم، ستمگر و مستبدی است که به نحوی بر کشوری اسلامی حاکم شده و با کفار همدست شده و انواع فساد و ستم در حق مسلمانان در چنین حکومتی رواج دارد. در فقه سیاسی اسلام، دو نظریه در مواجهه با حاکم ستمگر وابسته به بیگانگان وجود دارد: **نظریه اول:** زندگی مسالمت آمیز و اطاعت از حاکم جائز. این دیدگاه که عمدتاً در فقه اهل سنت رواج دارد، بنا بر آموزه‌های کلامی و فقهی شان، بر وجوب اطاعت از حاکم - حتی اگر ظالم و فاسق باشد - و حرمت قیام علیه او تأکید می‌کند. گرچند مشهور این است که حنفی‌ها اطاعت از حاکم جائز را جایز نمی‌دانند، ولی دیدگاه بعضی علما حنفی خلاف این امر را نشان می‌دهد. ابن ابی العز حنفی، درباره لزوم پیروی از حاکم می‌گوید: «قیام علیه حاکم بلاد اسلامی جایز نیست، گرچه ظالم باشد. ما هرگز به چنین قیامی سفارش نمی‌کنیم و هیچ‌گاه دست از پیروی از حاکم بر می‌داریم؛ چرا که پیروی از حاکم را فریضه می‌دانیم و تا زمانی که به معصیت امر نکنند، ما نیز راه صلح و تعامل را بر می‌گزینیم» (ابن ابی العز، ۲۰۰۵م، ج ۲، ۵۴۰)

احمد بن حنبل، می‌گوید:

«هیچ‌کس حق ندارد سلطان (حاکم) را انکار کند، مگر به صورت پند و اندرز دادن به او و ترساندن یا هشدار دادن از عاقبت کار در دنیا و آخرت. بنابراین، این کار (انکار به این شکل) واجب است و غیر از این روش، حرام می‌باشد...» (المقدسی، ۱۴۱۷هـ، ج ۱، ۶)

نووی (شافعی مذهب) در شرحی که بر صحیح مسلم نوشته، می‌گوید:

خروج علیه حاکمان و جنگ با آنان به اجماع مسلمانان حرام است؛ حتی اگر فاسق و ستمگر باشند. (النووی، ۱۳۹۲هـ، ج ۱۲، ۲۲۹)

ابن بطال قرطبی (مالکی): خروج بر حاکمان ستمگر را جایز ندانسته است. ابن بطال نیشابوری پس از ذکر چندین روایت که خروج علیه حاکم را منع می‌کنند، این روایات را دلیلی بر ترک قیام علیه حاکم ستمگر می‌داند (ابن بطال، ۱۴۲۳ق، ج ۱۰، ۸) اهل سنت بر این مطلب اجماع دارند که فسق باعث عزل سلطان نمی‌شود (سمنانی، بی تا، ۲۹۳) این دیدگاه مبتنی بر حدیثی است که در صحیحین (بخاری و مسلم) نقل شده (البخاری، بی تا، ج ۹، ۴۷؛ النیشابوری، بی تا، ج ۳، ۱۴۷۴) و مطابق آن، هرکس از حکم حاکم ستمگر بیرون رود و در برابر او صبر نکند، از جماعت مسلمانان جدا شده و اگر در این حالت بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است خلاصه دیدگاه اهل سنت: اطاعت اولیای امر (اعم از امامان، پادشاهان و فرمانداران) فریضه‌ای شرعی است و نبرد با آنان مجاز نیست، حتی اگر مرتکب ظلم شوند و دلیل اصلی حرمت، پرهیز از فتنه است (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ۳۰؛ نووی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ۲۲۹)

**نظریه دوم:** وجوب مقابله با ظالم. این دیدگاه که در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام پذیرفته شده، همکاری با ستمگر و تمکین در برابر او را حرام می‌داند و مراتب سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکم را واجب می‌شمارد. ریشه تاریخی و فرهنگی این نظریه را می‌توان در حادثه عاشورا و قیام امام حسین علیه‌السلام جست‌وجو کرد. مشروعیت این دیدگاه با روشن‌ترین مثال تاریخی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام، سخنان (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ۳۰۱؛ امین، ۱۳۲۹ق، ۲۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ۲۸۷) و عملکرد امام حسین علیه‌السلام در برابر طاغوت زمان یزید بن معاویه بهترین دلیل بر جواز قیام و حرمت مدارا و مماشات با ستمکاران است؛ چون امام حسین علیه‌السلام امام معصوم و جزء از اهل البیت علیهم‌السلام می‌باشد، گفتار و رفتار اهل البیت برای مسلمانان حجت است و در طول تاریخ اسلام، قیام امام حسین علیه‌السلام محرک بسیاری از انقلاب‌ها و جنبش‌ها بوده است. علاوه بر آن ادله فقهی متعددی نیز در این مورد وجود دارد، که در اینجا فرصت طرح آنها نیست.

#### • مقاومت جمعی در برابر اشغالگران خارجی

شکل دیگری مقاومت که در جهان اسلام تبلور یافته، ایستادگی در برابر دشمنان اسلام و اشغالگران که به سرزمین‌های اسلامی تجاوز کرده یا می‌کنند. زمانی که دشمنان به سرزمین‌های اسلامی هجوم بیاورند تکلیف چیست؟ آیا باید با کفار وارد جنگ شد؟ اگر با کفار وارد جنگ شود، عنوان این جنگ چیست؟ قبلاً توضیح داده شد که مقاومت تحت عنوان دفاع قابل بحث است؛ زیرا جهاد از جمله فرائض دینی است که در زمان حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام معصوم علیه‌السلام یا نماینده منصوب از سوی آنان، واجب می‌شود. اما در عصر غیبت امام، راه جهاد ابتدایی بسته است و به همین دلیل، احکام مرتبط با آن نزد متأخران از فقها - به ویژه متأخرین متأخر - کم‌تر مورد توجه قرار گرفته و در آثارشان به تفصیل بحث نشده است. با این حال، مشهور فقها بر این باورند که جهاد در زمان غیبت نیز در شرایطی واجب می‌شود که خطری جدی پیکر اسلام را از سوی کفار و مشرکان تهدید کند؛ در چنین مواردی، جهاد بر مسلمانان واجب است (الطباطبائی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ۴۴۹) آل عصفور مدعی است که به مستندات صریح این قول در کلام فقها برنخورده و حتی اگر روایاتی در این زمینه از امامان علیهم‌السلام وارد شده باشد، این نوع جنگیدن از اقسام «دفاع» محسوب می‌شود؛ چنانکه گروهی از محققان، مانند شهید اول در کتاب «الدروس» و برخی فقهای پس از او، به این مطلب اشاره کرده‌اند. بنابراین، اگر در چنین مواردی لفظ «جهاد» به کار رود، اطلاقی مجازی دارد؛ مشابه کاربرد آن در عبارت‌هایی مانند «جهاد با نفس» (آل عصفور، ۱۴۲۱ق، ۴۱۰) کاشف الغطاء فتوا داده که اگر سرزمین اسلامی مورد تعرض قرار گیرد بر مردم واجب است از سلطانی که از کشور دفاع می‌کند حمایت نمایند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ۲۷) و بر تمام مکلفان حاضر و غایب از میان همه مسلمانان، بدون تفاوت بین اهل مذاهب، واجب است که بار سفر ببندند و برای جنگ و پیکار با متجاوزان خارجی آماده شوند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ۳۳۵) این نوع مقاومت، پاسداری از سرزمین‌های اسلامی در برابر تجاوز و نفوذ کفار و اشغالگران است که نمونه‌های

آن در کشورهایی مانند الجزایر، فلسطین، افغانستان و لبنان دیده می‌شود. در فقه اسلامی، وجوب این دفاع در میان مذاهب اسلامی - با استناد به کتاب، سنت و اجماع - مورد تأکید قرار گرفته است و فقه امامیه، دلیل عقلی را نیز به این ادله افزوده است. (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ج ۴۱، ۶۵۳)

## ۲) ماهیت مقاومت

با توجه به اینکه مقاومت مبنای دینی و شرعی دارد و تحت عنوان «دفاع» در فقه اسلامی بحث شده است، حال این پرسش مطرح می‌شود که مقاومت چیست و ماهیت آن کدام است؟ آیا مقاومت یک استراتژی صرفاً دفاعی در مقابل نیروی اشغالگر خارجی یا استبداد داخلی است یا اینکه ماهیت آن فراتر از جنبه دفاعی و امنیتی است؟ دو تعریف از مقاومت ارائه شده است تعریف محدود: در این نگاه، مقاومت واکنشی است به یک تهدید خارجی (اشغال) یا داخلی (استبداد) و هدف آن دفع حمله، آزادسازی سرزمین<sup>۱</sup> یا براندازی یک رژیم ستمگر است<sup>۲</sup>. تعریف گسترده: در این پارادایم، مقاومت تنها یک «ابزار» نیست، بلکه یک «طرح» است. هدف آن نه فقط بقای فیزیکی، بلکه «بازسازی هویت» و «احیای اراده یک ملت» است.

با توجه به خواسته‌ها، اهداف و عملکردهای همه‌ای نیروهای مقاومت، می‌توان گفت که مقاومت تنها یک استراتژی دفاعی نظامی صرف برای حفظ اسلام و سرزمین اسلامی نیست، بلکه یک پاسخ تمدنی به بحران هویت و به مثابه یک طرح تمدنی در جهان اسلام محسوب. شاید کسی تعریض بزند که مقاومت برای حفظ اسلام است و بحث تمدن اصلاً مطرح نیست. در پاسخ این گزاره را می‌توان چنین تحلیل نمود، زمانی که یک جامعه دچار بحران می‌گردد از جمله بحران هویت (چه هویت دینی و چه هویت ملی)، خودباختگی و انفعال، در آن شرایط چنین جامعه‌ای ضرورت به تغییر دارد و دگرگونی بدون وجود مقاومت ممکن نیست. جوامعی که مورد تهاجم نظامی یا فرهنگی قرار گرفته اسلام در خطر نیست و دشمن نمی‌تواند اسلام را نابود کند، چون اسلام یک باور درونی است تا انسان‌های مسلمان مؤمن زنده هستند اسلام در قلب و جان‌شان زنده است، چنانکه در کشورهای آسیایی میانه با تهاجم شوروی و اشغال این کشورهای اسلام هست ولی آثار تمدنی اسلام به خصوص بخش نرم افزاری از بین رفت.

با توجه به خواسته‌ها، اهداف و عملکردهای همه نیروهای مقاومت، می‌توان گفت که مقاومت تنها یک استراتژی دفاعی نظامی صرف برای حفظ اسلام و سرزمین اسلامی نیست، بلکه پاسخی تمدنی به بحران هویت و به مثابه یک طرح تمدنی در جهان اسلام محسوب می‌شود. ممکن است برخی این گونه تعریض کنند که مقاومت صرفاً برای حفظ اسلام است و بحث تمدن مطرح نیست. در پاسخ به این گزاره می‌توان

۱. مانند مقاومت مردم افغانستان ۱۳۵۸ در مقابل اشغالگران اتحاد شوروی، و مقاومت مردم لبنان. اسرائیل قبل از سال ۱۹۸۲ بخشی از اراضی لبنان را اشغال کرده بود، اما مقاومت آن را آزاد کرد.

۲. مانند انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران و انقلاب ۲۱ اکتبر ۲۰۱۴ یمن.

چنین تحلیل کرد: زمانی که یک جامعه دچار بحران می‌شود، از جمله بحران هویت - چه هویت دینی و چه هویت ملی - و دچار خودباختگی و انفعال می‌گردد، ضرورت تغییر و دگرگونی در آن جامعه احساس می‌شود و این دگرگونی بدون وجود مقاومت ممکن نیست. جوامعی که مورد تهاجم نظامی یا فرهنگی قرار گرفته‌اند، اسلام در خطر نیست و دشمن نمی‌تواند اسلام را نابود کند، زیرا اسلام یک باور درونی است؛ تا زمانی که انسان‌های مسلمان و مؤمن زنده باشند، اسلام در قلب و جان آن‌ها زنده خواهد بود. چنانکه در کشورهای آسیای میانه، با وجود تهاجم شوروی و اشغال این کشورها، اسلام زنده است، اما آثار تمدنی اسلام، به‌ویژه در بخش نرم‌افزاری آن، از بین رفته است. پس مقاومت پاسخی فعالانه به بحران‌های اجتماعی است. مقاومت برای حفظ و احیای آثار هویت دینی و ملی می‌ایستد و برای تغییر سرنوشت فعالانه با ابزارهای مؤثر و متناسب با مقتضیات عصر و زمانه اقدام می‌کند. مقاومت مسلحانه ابزاری در خدمت اهداف فراتر است؛ یعنی مبارزه مسلحانه خود هدف نیست، بلکه مقدمه و وسیله‌ای ضروری برای ایجاد فضایی امن است تا سایر ابعاد مقاومت (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و معرفتی) بتوانند در آن رشد کنند. بدون داشتن توان دفاعی قوی، هر طرح تمدنی دیگری توسط قدرت‌های مهاجم خارجی یا داخلی به تدریج مضمحل خواهد شد.

بنابراین، بُعد نظامی و قدرت نظامی، «سپر» دفاعی لازم برای محافظت از «سایر ابعاد زندگی اجتماعی» است. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و رهنمودهای امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب امام خامنه‌ای (مدظله العالی) جنبه‌های مختلف مقاومت که یک طرح تمدنی است نمود عینی پیدا نمود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) مقاومت را جزء جدایی‌ناپذیر یک زندگی شرافتمندانه می‌داند و در این زمینه معتقد است که:

«فقط با ایستادگی و مقاومت است که یک ملت می‌تواند روی پای خود بایستد، حق انسانی خود را به دست‌آور و زندگی افتخارآمیزی را که برای او، هم دنیا و هم آخرت است، کسب کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۵/۲۹)

هم چنین ایشان مقاومت در مقابل استکبار و استبداد را راه رسیدن به قله اصلی تمدن اسلامی دانسته می‌فرماید: «امروز این تجربه‌ای گران‌بها در دسترس ملت‌هایی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند. ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده‌ی: «و لیتصرنّ الله من ینصره انّ الله لقوی عزیز» خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹)

محمد قطب در باره اهداف گروه‌های اسلامی می‌گوید: هدف اصلی آنان، بازگرداندن جامعه به الگویی بود که پیامبر اسلام (ص) و یارانش بنیان نهاده بودند (قطب، ۱۳۷۴، ۲۲). این جنبش‌های اسلامی، علی‌رغم اختلافات چشمگیر در روش‌ها و برنامه‌های‌شان، در برخی اصول ایدئولوژیک با هم مشترک بودند که

مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

۱. اسلام به‌عنوان دینی کامل، برنامه‌ای جامع برای زندگی فردی، اجتماعی و حکومتی؛
۲. غرب‌زدگی به معنای پذیرش غیرنقادانه الگوها و مدل‌های توسعه غربی، عامل اصلی نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی در جوامع مسلمان؛
۳. بازگشت به آموزه‌های اصیل اسلام، شرط لازم برای بازیابی قدرت و جایگاه مسلمانان بوده و حاکمیت الهی تنها جایگزین مشروع برای الگوهای حاکم بر جهان؛
۴. تحقق حکومت اسلامی و استقرار عدالت، نیاز به بازخوانی و احیای شریعت به‌عنوان راهنمایی مقدس برای جامعه؛

۵. جهاد، مبارزه و فداکاری در برابر ستمگران و آمادگی برای شهادت، وظیفه همه مسلمانان؛

۶. متون مقدس دینی، به‌ویژه قرآن کریم، مهم‌ترین منبع الهام‌بخش برای بسیج توده‌ها؛

۷. مساجد و اماکن مذهبی، مناسب‌ترین مکان‌ها برای ترویج و تبلیغ دیدگاه‌های اسلامی (اسپوزیتو)،

(۱۳۷۲، ۱۰۳)

با وجود این اشتراکات ایدئولوژیک، نوع فعالیت گروه‌های مقاومت اسلامی از کشوری به کشور دیگر متفاوت و بسیار متنوع بوده است. جان اسپوزیتو، پژوهشگر سرشناس مطالعات خاورمیانه، معتقد است که چالش‌های اسلام سیاسی، طیف وسیعی از گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی و ایدئولوژیک را پدید آورده که هم‌زمان از شرایط محلی (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) و نیز از اصول اعتقادی و مذهبی خود تأثیر پذیرفته‌اند. (اسپوزیتو،

(۱۳۷۲، ۱۰۴)

در تعریف و تبیین ویژگی‌های جنبش‌های اسلامی، تاکنون ارزیابی‌ها و تحلیل‌های گسترده و متفاوتی ارائه شده است. در فضای فکری غرب، این جنبش‌ها عمدتاً در چارچوب مفاهیمی مانند «بنیادگرایی مذهبی» و در مواردی «تروریسم» دسته‌بندی و معرفی شده‌اند. این نگاه، تصویری محدود و اغلب یک‌بعدی از پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی ارائه می‌دهد. در نقطه مقابل، راشد الغنوشی، از نظریه‌پردازان اسلامی، حرکت‌ها و فعالیت‌های جریان‌های اسلامی را دارای انگیزه‌ای اسلامی و با هدف پیاده کردن احکام اسلام، شکل گرفته است. (الغنوشی، ۱۳۶۸، ۱۱۹-۱۱۱)

### ۳) پیشینه تاریخی جنبش‌های مقاومت اسلامی

با توجه به اینکه مقاومت مبنای دینی و فقهی دارد و ماهیتاً هم یک طرح کلان دفاعی برای پاسداری از سرزمین‌های اسلامی و ارزش‌های دینی و در نهایت راهبرد کلان برای ایجاد تمدن نوین اسلامی است، از چه سابقه و پیشینه در اسلام برخوردار است؟ گرچه از ابتدای زندگی بشر به‌خصوص با رسالت انبیاء مقاومت در مقابل قدرت‌های طاغوتی وجود داشت و سابقه طولانی به‌درازای تاریخ دارد، ولی پرداختن

به همه آن موارد هم از ظرفیت این مقاله خارج است و هم ضرورت ندارد. در اینجا فقط به مقاومت جنبش‌های معاصر پرداخته می‌شود.

پس از جنگ‌های صلیبی، غرب دریافت که اسلام تنها نیروی مقاوم در برابر آن است. در پی این درک، برنامه‌ای برای فروپاشی امپراتوری عثمانی و تجزیه سرزمین‌های اسلامی طراحی شد. با اجرای این طرح و نفوذ استعمار، تفرقه‌های قومی، زبانی و مذهبی در میان مسلمانان تشدید شد و منازعات داخلی، اقتدار و اتحاد اسلامی را تضعیف کرد. این وضعیت به رکود در تمام عرصه‌های زندگی مسلمانان انجامید. استعمارگران با به قدرت رساندن عوامل نفوذی و دست‌نشانده، کوشیدند اسلام را از درون تهی و فرسوده سازند. این حکومت‌های وابسته و غرب‌زده، برای پوشش احساس حقارت و فقدان هویت، به تقلید کورکورانه از غرب روی آوردند. از آنجا که اسلام با مفاهیمی مانند جهاد، شهادت و عدالت، مردم را در برابر ستمگران بسیج می‌کند، این حکومت‌ها برای خنثی کردن آن، دو اقدام عمده انجام دادند:

۱. نگره‌داری مردم در نادانی و ناآگاهی برای جلوگیری از هرگونه اعتراض.
۲. تحمیل روش‌ها و آیین‌های غربی برای جدا کردن مردم از هویت دینی و ملی و تبدیل آنان به افرادی حقیر و غرب‌زده.

همزمان با این تهاجم فرهنگی و نظامی، علمای اسلام به این نقشه شوم پی بردند و جنبش‌های مقاومت اسلامی در سه عرصه علیه «اشغال»، «استبداد (حکومت‌های دست‌نشانده)» و «تهاجم فرهنگی» شکل گرفت. قدرت‌های غربی در صدد حذف اسلام از برنامه زندگی مسلمانان بود. سید جمال‌الدین اسدآبادی در یک قرن قبل چنین گفته بود: «مسلمانها باید بدانند که انگلیس قصد براندازی اسلام را داشته، می‌خواهند مسلمانان را در هر جای کره زمین نابود سازد هرچند که این کار شدنی نیست» (اسدآبادی، بی‌تا، ۳۵۷) این جنبش‌ها با ایستادگی در برابر پروژه‌های استعمار و احیای ارزش‌های اسلامی، مانع افول و نابودی تمدن اسلامی شدند و زمینه بازگشت به شکوفایی آن را فراهم کردند.

بر پایه مطالعات میدانی و گزارش‌های تاریخی، دهه ۵۰ هجری شمسی را می‌توان اوج حرکت‌های اسلام‌گرایی در جهان اسلام به‌شمار آورد. در این دهه، گروه‌های معتقد به «اسلام سیاسی» کوشش‌های گسترده‌ای را برای مقابله با اشغالگران و براندازی حکومت‌های خودباخته و دست‌نشانده غرب و برپایی حکومت اسلامی انجام دادند. شمار زیادی از کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشورهای عربی، شاهد ظهور چنین گروه‌ها و تشکلهایی بودند. نمونه‌های بارز آن: اخوان المسلمین در مصر و سوریه، گروه‌های «التکفیر والهجرة» در مصر، جنبش راشد الغنوشی در تونس، جبهه نجات اسلامی در الجزایر، نهضت حسن الترابی در سودان، حماس در فلسطین، گروه‌های شیعه و القاعده در عربستان و یمن، و همچنین گروه‌های اسلامی در افغانستان و احزاب اسلامی پاکستان (اسداللهی، ۱۳۸۲، ۱۱۱) حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران برای سقوط نظام

شاهنشاهی وابسته به غرب در ایران و برپایی نظام مبتنی بر ارزش‌های اسلامی.

#### ۴. نقش و جایگاه مقاومت در تمدن اسلامی

با توجه به مبانی فقهی و ماهیت تمدنی مقاومت که در بخش‌های پیشین تبیین شد، که مقاومت یک طرح تمدنی و راهبردی است، اکنون به تحلیل نقش عینی آن در صحنه تمدن اسلامی می‌پردازیم. برای تبیین دقیق نقش «مقاومت» در تمدن اسلامی و تعیین میزان تأثیرگذاری آن، لازم است ابتدا تصویری روشن از وضعیت کشورهای اسلامی و تمدن موجود اسلامی ارائه گردد. تمدن اسلامی با سابقه‌ای هزار و چندصدساله در چه شرایطی قرار داشت و با چه تهدیدات و خطراتی مواجه بود که مقاومت توانست در دفع این خطرات نقش ایفا کند؟

تمدن اسلامی، پدیده‌ای تاریخی و مستمر است که با ظهور اسلام بنیان نهاده شد و مبتنی بر ارزش‌ها، معارف، اخلاق و فرهنگ اصیل اسلامی، مسیر پر فراز و نشیب چهارده قرن را پیموده است. این تمدن در قرون اولیه تاریخ اسلام از شکوفایی و رشدی چشمگیر برخوردار بود و آثار درخشان آن، جهان را منور ساخت، اما در قرون اخیر با رکود و نوعی انفعال مواجه شد. علل این رکود چند چیز است:

الف. تجزیه سرزمین‌های اسلامی؛ پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، قدرت‌های استعماری با طراحی نقشه‌ای برای تفرقه‌افکنی قومی، زبانی و مذهبی، وحدت مسلمانان را تضعیف کردند.

ب. نفوذ استعمار، استعمارگران از زمانی که در سرزمین‌های اسلامی نفوذ نمودند، حکومت‌های دست‌نشانده روی کار آوردند با روی کار آوردند، حکومت‌های دست‌نشانده و غرب‌زده، استعمارگران کوشیدند اسلام را از درون تهی و بی‌خاصیت کنند.

ج. تحریف دین، حکومت‌های دیکتاتور و دست‌نشانده با تحریف مفاهیم ارزشی مانند جهاد، شهادت و عدالت، مردم را از مقاومت باز می‌داشتند.

د. تهاجم فرهنگی و نظامی: غربیان با اشغال مستقیم یا تحمیل فرهنگ خود، هویت اسلامی را تضعیف کردند. جنگی تمدن‌های که غربیان از آن حرف می‌زند، عملاً علیه جهان اسلام شروع شده بود. نظریه «جنگ تمدن‌ها»ی هانتینگتون، که با پشتیبانی رسانه‌های صهیونیستی ترویج شده، به‌عنوان ابزاری برای نابودی تمدن اسلامی طراحی شده است (نیشابوری، ۱۳۸۷، ۲۴۶).

پس از دوران افول تمدن اسلامی و مواجهه با استعمار غرب، جهان اسلام دچار نوعی «شوک تمدنی» و انفعال شد در این شرایط، جریان مقاومت با احیای گفتمان «عزت، استقلال و ایستادگی» مانع از تکمیل فرآیند فروپاشی شد. در برابر این تهاجمات، علمای اسلامی و جنبش‌های مقاومت در سه عرصه مبارزه کردند، این جنبش‌ها با احیای ارزش‌های ناب اسلامی، روند رکود تمدن اسلامی را متوقف و زمینه بازگشت به شکوفایی آن را فراهم کردند. کارکرد تمدنی جریان مقاومت را می‌توان در سه گزاره خلاصه کرد:

۱. مقاومت در برابر اشغال و جلوگیری از افول و فروپاشی تمدن اسلامی و حفظ موجودیت آن.
۲. مقاومت در برابر استبداد داخلی، جلوگیری از انحلال و اختلاط تمدن اسلامی، با تمدن غربی به منظور حفظ اصالت تمدن اسلامی.

۳. زمینه‌سازی و فراهم آوردن شرط کیفی برای شکوفایی تمدن اسلامی و خلق تمدن نوین اسلامی. در نتیجه، مقاومت را می‌توان تنها راه مقابله با تهاجم غرب و عامل حیات و پویایی تمدن اسلامی دانست. به طور کلی کارکردهای تمدنی جریان مقاومت را می‌توان در قالب سه عنوان و گزاره تقسیم نمود:

الف. جلوگیری از فروپاشی تمدن اسلام

جلوگیری از فروپاشی تمدن اسلام (کارکرد دفاعی - حفظی) این کارکرد، بنیادی‌ترین و فوری‌ترین نقش مقاومت است. فروپاشی یک تمدن با شکست نظامی آغاز نمی‌شود، بلکه با از دست دادن اراده جمعی برای دفاع از خود و زوال روحیه مقاومت شروع می‌شود.

به طور کلی مقاومت در مواجهه با تهاجم دشمن (تهاجم نظامی یا تهاجم فرهنگی) متناسب با نوع تهاجم دفاع و مقاومت را روی دست گرفت به مقابله پرداخت. چند نمونه از مقاومت مسلمانان در برابر تهاجم نظامی دشمنان و اشغال سرزمین اسلامی به دست کفار را ذکر می‌کنیم نمونه‌های بارز و جدی مقاومت مسلمانان در مقابل اشغال کشورهای اسلامی متعدد است که در ادامه به سه مورد برجسته اشاره می‌شود:

#### • مقاومت مردم افغانستان در مقابل اشغال گران شوروی

اتحاد جماهیر شوروی با هدف حذف افغانستان از جغرافیای تمدن اسلامی و استحاله آن در قلمرو تمدنی کمونیستی، به این کشور اسلامی در سال ۱۳۵۸ شمسی حمله کرد و افغانستان را اشغال نظامی نمود (هایمن، ۱۳۷۷، ۹۲-۹۳؛ اولویه‌رو، ۱۳۶۶، ۲۱) در برابر این تجاوز وحشیانه، ملت مسلمان افغانستان قیام نمودند و مقاومت چهارده ساله ملت افغانستان مانع از تحقق این هدف شوم شد. (مقدمه‌ای بر تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی افغانستان، ۱۳۵۹، ۲۰) این پایداری باعث شد افغانستان به عنوان کشوری اسلامی حفظ شود، اشغال گران شکست بخورند و در نهایت، این سرزمین آزاد گردد، اما سرزمین‌های اسلامی دیگر کشور آسیایی میانه که در مقابل تهاجم شوروی مقاومت نکردند و مقاومت شکل نگرفت، این کشورهای اسلامی جز اقمار شوروی قرار گرفت و در کام اتحاد شوروی سقوط کرد. همان گونه که هسته سخت یعنی سرزمین اسلامی از دست رفت، به تدریج بخش نرم تمدن اسلامی نیز از بین رفت.

#### • مقاومت طولانی مدت در فلسطین

اشغال فلسطین تصرف غاصبانه سرزمین‌های فلسطین از سوی اسرائیل و بیرون راندن مردم فلسطین که رسماً از ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ ش/۱۴ می ۱۹۴۸ م آغاز شد. زمینه‌های این اشغال به اواخر قرن نوزده میلادی و شکل‌گیری جنبش صهیونیسم، قیومیت انگلیس بر فلسطین و طرح تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۷ م از

سوی سازمان ملل بازمی‌گردد. (سایت اطلاع رسانی حوزه) اشغال فلسطین، به عنوان زخمی کهنه در پیکر جهان اسلام، طولانی‌ترین اشغال در تاریخ معاصر است و در مقابل، سخت‌ترین و گسترده‌ترین مقاومت را نیز به خود دیده است. فلسطینیان در ابتدا با همکاری کشورهای عربی و با روحیه‌ای ناسیونالیستی به مبارزه مسلحانه با رژیم اشغالگر پرداختند، اما این تلاش‌ها به نتیجه‌ای قطعی نیانجامید. نقطه عطف، زمانی بود که جریان‌های اسلامی پرچم مبارزه را با شعار دفاع از اسلام و سرزمین و مقدسات و ارزش‌های اسلامی برافراشتند.

این جنبش‌ها مانع سلطه کامل اشغال‌گران شده‌اند. از جمله جریان‌های مؤثر و قدیمی در این عرصه، اخوان المسلمین بود که اسلام را به عنوان نیروی محرک و منبع الهام خود قرار داده بود. آنان از اسلام راکد و بی‌تحرك بیزار بودند و هدف اصلی‌شان بازگرداندن جامعه به الگویی بود که پیامبر اسلام ﷺ و یارانش بنیان نهاده بودند. سید قطب، از نظریه‌پردازان برجسته این جنبش، معتقد بود هر جامعه‌ای که تحت حکومت اسلامی اداره نشود، جامعه‌ای جاهلی و در قلمرو «دارالحرب» محسوب می‌شود. (قطب، ۱۳۷۴، ۲۲)

در آغاز دهه پنجاه اخوان المسلمین اصلی‌ترین نیروی سیاسی حاضر در صحنه‌ای سیاسی فلسطین مطرح شدند. از دیدگاه اخوان، مذاکره برای کشوری در کرانه غربی رود اردن و یا نوار غزه، خیانت به مسأله فلسطین است و شناسایی اسرائیل از نظر اخوان «پذیرش غضب یک سرزمین اسلامی است» (الدعوة، ش ۱۱۵، ۱۹۸۶، ۲۴) شعار اصلی آنان «آزادسازی تمامی سرزمین فلسطین و بازگشت به آن، به نام اسلام و برای اسلام» بود. اما عرصه مبارزه مستقیم و مسلحانه را به‌ویژه گروه‌هایی چون جنبش فتح و سپس حماس و جهاد اسلامی عهده‌دار شدند. این گروه‌ها خونین‌ترین مقابله‌های نظامی را با اشغال‌گران سازمان دادند و امروز نیز شعله‌ور بودن آتش جنگ و غرق بودن غزه در خون، این مقاومت با قدرت ادامه دارد. یکی از علمای اهل سنت می‌نویسد:

«هدف اساسی از قیام نهضت اسلامی بازسازی اسلام و بازگرداندن دوباره آن به رهبری همه جانبه‌ای زندگی فردی و اجتماعی است. آن هم پس از آنکه اسلام از رهبری و توجیه جامعه در همه عرصه‌های سیاسی و حکومتی و تشریع و قانون‌گذاری و اندیشه و فرهنگ، آموزش و اطلاع‌رسانی، آداب و رسوم، اقتصاد و سرمایه به تمام معنا کنار گذاشته شده است» (قرضاوی، ۱۳۸۱، ۵۶)

#### • اشغال جنوب لبنان

در ۶ ژوئن ۱۹۸۲، ارتش رژیم صهیونیستی تهاجم گسترده‌ای را از زمین، هوا و دریا به لبنان آغاز کرد و سرانجام بخش جنوبی این کشور را اشغال نمود. رژیم در جریان این حمله از حمایت کامل کشورهای غربی برخوردار بود. در ۸ ژوئن ۱۹۸۲، ایالات متحده قطعنامه‌ای پیشنهادی مبنی بر خروج نیروهای اسرائیلی را وتو کرد. رژیم اشغال‌گر در طول حضور خود در لبنان، جنایات گسترده‌ای علیه غیرنظامیان لبنانی و آوارگان

فلسطینی مرتکب شد. تنها در کشتار صبرا و شتیلا، بین ۷۰۰ تا ۳۵۰۰ فلسطینی به قتل رسیدند. ارتش رژیم صهیونیستی در این تهاجم با مشارکت حدود ۱۰۰ هزار سرباز و ۱۱۰۰ تانک و با پشتیبانی گسترده هوایی، بخش‌هایی از لبنان از جمله بیروت را به اشغال خود درآورد. در آن زمان، هیچ نیروی سازمان‌یافته‌ای به جز گروه‌های پراکنده فلسطینی برای مقابله با اسرائیل وجود نداشت، تا اینکه نیروهای شیعی، ابتدا در قالب جنبش امل و سپس حزب‌الله، وارد عرصه نبرد شدند (اصغری، ۱۳۷۵، ش ۸۲) و سرانجام در سال ۲۰۰۰، مقاومت اسلامی لبنان توانست ارتش اشغالگر را از جنوب لبنان بیرون براند.

پیروزی حزب‌الله در سال ۲۰۰۰ در برابر رژیم صهیونیستی، سنگ بنای تحقق موفقیت‌های بعدی در برابر این رژیم طی بیش از دو دهه گذشته بوده است. پیروزی مقاومت لبنان در جنگ ۳۳ روزه، و همچنین پیروزی‌های مقاومت فلسطین در جنگ‌های ۲۲ روزه، ۸ روزه، ۵۱ روزه و ۱۲ روزه، تنها بخشی از دستاوردهایی هستند که پس از سال ۲۰۰۰ محقق شدند.

پیروزی حزب‌الله را می‌توان پاسخی به تبلیغات غرب و پیروانش دانست که ادعا می‌کردند تسلیم شدن برابر اسرائیل به معنای تأمین امنیت است. مقاومت این معادله نادرست را رد کرد و ثابت کرد که «ایستادگی = بقا و عزت» است. نمونه‌های عینی این امر، خروج ارتش اشغالگر شوروی از افغانستان، مقاومت حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و خروج بدون قید و شرط اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ است. نتایج مقاومت در این بخش را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد:

۱. ایجاد اعتماد به نفس جمعی: هر پیروزی نمادین در برابر رژیم صهیونیستی یا نیروهای استکبار، همچون تزریق روحیه به پیکر ناامید جهان اسلام عمل کرده و ثابت نموده که «غیرممکن، ممکن است»
  ۲. حفظ بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی: زمانی که سرزمین‌های اسلامی با مقاومت آزاد شوند، تمدن اسلامی از خطر فروپاشی و نابودی نجات می‌یابد.
  ۳. حفظ هسته سخت تمدنی: مقاومت با دفاع از سرزمین‌های اسلامی و مقدساتی همچون قدس شریف و مسجدالاقصی، نمادهای هویت‌ساز تمدن اسلام را از تصرف دشمنان نجات داده است.
- در مناطقی که مقاومتی در برابر اشغالگران شکل نگرفت و «هسته سخت» - یعنی سرزمین اسلامی - از دست رفت، تمدن اسلامی نیز به دنبال آن نابود شد و امروز اثری از آن برجای نمانده است. برای مثال، کشورهای آسیای میانه به‌ویژه تاجیکستان و ازبکستان - که روزگاری دو کشور اسلامی با شهرهای معروفی مانند سمرقند، بخارا و ترمذ بودند - پس از اشغال توسط اتحاد شوروی، امروزه هیچ‌گونه نشان محسوسی از بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی در آن‌ها دیده نمی‌شود. حتی در امور خانوادگی و مسائل اجتماعی نیز نام و نشانی از اسلام نمانده است، اگرچه مردم این مناطق همچنان مسلمان نامیده می‌شوند.
- همین مسأله در مورد اسپانیا (اندلس) - که روزی مرکز رشد و شکوفایی تمدن اسلامی در غرب بود - نیز

صادق است. پس از آنکه مقاومتی صورت نگرفت و این سرزمین به تصرف مسیحیان درآمد، امروز هیچ اثر و خبری از تمدن اسلامی در آنجا دیده نمی‌شود. همچنین اگر به شهرهای اشغال‌شده فلسطین نگاه شود، مشاهده می‌شود که فرهنگ و تمدن یهودی در آنجا حاکم شده است. بنابراین، مقاومت باعث حفظ هسته سخت تمدن اسلامی شده و خواهد شد.

ب. جلوگیری از انحلال تمدن اسلام در تمدن مادی غرب

نقش دیگری مقاومت جلوگیری از انحلال تمدن اسلامی در تمدن غرب است. جریان‌های مقاومت با هدف صیانت از تمدن اسلامی در برابر انحلال و استحاله توسط تمدن غربی شکل گرفته است. بخش عمده‌ای از این مقاومت‌ها در سایه حکومت‌های دست‌نشانده و استبدادی متولد شده و بالیده‌اند. این جریان‌ها در مقابل حکومت‌های استبدادی و دست‌نشانده‌ای بیگانه و عامل بیگانه که زمینه ورود و غلبه فرهنگ بیگانه و وارداتی را تسهیل می‌نمایند ایستاده‌اند؛ امری که زمینه‌ساز تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام است. تهاجم فرهنگی عبارت است از:

«ورود، نفوذ، تحمیل یا تأثیر عناصر، رفتارها، الگوها و ارزش‌های فرهنگی مضر بیگانه بر فرهنگ دیگر. این تهاجم گاه با اهداف خصمانه و عامدانه صورت می‌گیرد و هدف نهایی آن، جایگزینی، تغییر یا تضعیف فرهنگ ملی جامعه مورد تهاجم است.» (بابایی، ۱۳۸۳، شماره ۶۲)

بحث تهاجم فرهنگی در ایران پس از انقلاب بسیار جدی مطرح شده است رهبر انقلاب در بیان این مسأله سهم بزرگی دارد.

در تعریف این پدیده، دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حائز اهمیت است. از نظر ایشان، در تهاجم فرهنگی، یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم، باورهای تازه‌ای به قصد جایگزینی، به زور بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت تحمیل می‌شود. (خامنه‌ای ۱۳۷۱/۵/۲۱) منظور از هجوم فرهنگی آن است که جامعه‌ای تلاش کند که فرهنگ خودش را بر جامعه‌ای دیگری که طبعاً دارای فرهنگی خاص می‌باشد. تحمیل کند یا دست کم، نوعی دگرگونی در فرهنگ آن جامعه به وجود آورد این کار هجوم فرهنگی تلقی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ۷۱)

مقام رهبری حساسیت ویژه‌ای نسبت به این موضوع داشته و بارها به مسئولین هشدار داده‌اند که خطر تهاجم فرهنگی بسیار زیاد و ویرانگر است. ایشان در بیانی دیگر این پدیده را اینگونه توصیف می‌کنند: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوانان ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی نیست، بلکه باید گفت یک «شیخون فرهنگی»، یک

«غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. (خامنه‌ای ۱۳۷۱/۴)

تهاجم فرهنگی یکی از دست‌آورد‌های غریبان بر ضد اسلام است که در دهه هفتاد به تعبیر مقام معظم رهبری، به: حمله فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم، قتل عام فرهنگی، جنگ فرهنگ، تزریق فرهنگی، تقابل فرهنگی، شبیخون فرهنگی، تهاجم نرم، تهاجم پنهان، محاصره فرهنگی، یورش فرهنگی، توطئه فرهنگی، براندازی نرم، برانداز خاموش و تهاجم معنوی تبدیل شده است. (خسروپناه، ۱۳۸۹، ۲۹)

ایشان در جای دیگر هشدار می‌دهد که ما مورد تهاجم قرار گرفته‌ایم و باید مقابله نماییم:

«ما مواجهیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده ... لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه‌ی ابزارهایی که برای شان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی‌ها در داخل کشور، جذب جوان‌ها به‌خصوص جوان‌های فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار می‌کنند ... یکی از قلم‌های مهم، همین است که این مفاهیم با ارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده‌ی شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۸/۸۳)

به طور خلاصه، جریان‌های مقاومت برای جلوگیری از انحلال و استحاله تمدن اسلامی در برابر تمدن غربی و تهاجم فرهنگ بیگانه پدید آمده‌اند و نمونه‌های متعددی از این مقاومت‌ها در بستر حکومت‌های دست‌نشانده و استبدادی شکل گرفته است که در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### • انقلاب اسلامی ایران

بی‌تردید، انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای بی‌نظیر در قرن حاضر به‌شمار می‌آید. این انقلاب، با شعارهای آرمان‌گرایانه، اسلام‌خواهانه و جهان‌شمول خود، و برای ریشه کنی فساد و فحشا و فرهنگ ضد دینی از جامعه اسلامی ایران، تحت رهبری امام خمینی علیه‌السلام، به پیروزی رسید و دگرگونی‌های عمیقی در عرصه روابط بین‌الملل و معادلات سیاسی جهان ایجاد نمود. ایشان با هدف مقابله با سلطه ابرقدرت‌های شرق و غرب، ملت‌های مسلمان را به بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی فراخواندند. با برقراری پیوندی مستقیم میان «انقلاب» و «ایدئولوژی»، انقلاب را شرطی ضروری برای تحقق آرمان‌های الهی و ابزاری برای دستیابی به اهداف مکتبی و تعالی بخشی به جامعه بشری می‌دانستند. هدف اصلی امام، حاکمیت احکام الهی و اسلامی بود و اهداف دیگری از قبیل عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و برقراری معنویت اخلاقی را برای این نهضت قائل بودند. نقش انقلاب ایران در بیداری اسلامی و الهام‌بخشی به جنبش‌های مقاومت در منطقه بسیار مهم است.

بی‌تردید، انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای بی‌نظیر در قرن حاضر به‌شمار می‌آید. این انقلاب با شعارهای

آرمان‌گرایانه، اسلام‌خواهانه و جهان‌شمول، و با هدف ریشه‌کنی فساد، فحشا و فرهنگ ضد دینی از جامعه ایران، تحت رهبری امام خمینی ره به پیروزی رسید و دگرگونی‌های عمیقی در عرصه روابط بین‌الملل و معادلات سیاسی جهان ایجاد نمود. ایشان با هدف مقابله با سلطه ابرقدرت‌های شرق و غرب، ملت‌های مسلمان را به بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلامی فراخواندند. با برقراری پیوندی مستقیم میان «انقلاب» و «ایدئولوژی»، انقلاب را شرطی ضروری برای تحقق آرمان‌های الهی و ابزاری برای دستیابی به اهداف مکتبی و تعالی بخشی به جامعه بشری می‌دانستند. هدف اصلی امام، حاکمیت احکام الهی و اسلامی بود و اهدافی همچون عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و برقراری معنویت و اخلاقیات را برای این نهضت قائل بودند. نقش انقلاب ایران در بیداری اسلامی و الهام‌بخشی به جنبش‌های مقاومت در منطقه نیز بسیار حائز اهمیت است.

امام خمینی ره در پاسخ به نامه اصناف قم چنین می‌نگارد:

«این جانب برحسب وظیفه شرعیه به ملت ایران، و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست‌هاست که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند، تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است» (روحانی، ۱۳۵۶، ۱۷۸)

امام خمینی در جای دیگر همه را موظف به قیام نموده می‌فرماید:

«مسلمانان باید با همه امکانات و وسائل لازم، به مقابله جدی در دفاع از ارزش‌های الهی و منافع مسلمین برخیزند، و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بی‌خبران و دل‌مردگان و پیروان شیاطین، بیش از این مجال حمله را به صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند» (امام خمینی، بی تا، ج ۱۵، ۱۸۰)

از بیانات امام خمینی و مقام رهبری در باره عوامل انقلاب اسلامی، می‌توان چند عامل اصلی و کلیدی را علت وقوع انقلاب اسلامی دانست مهم‌ترین آنها، دفاع از اسلام و ارزش‌های اسلامی بود. این امر در قالب چند عامل کلیدی متجلی شد:

۱. سلطه بیگانگان و عوامل خارجی: تسلط افراد بی‌دین و وابسته به قدرت‌های خارجی (با عنوان مستشار) بر دستگاه‌های حکومتی که اوج آن در احیای کاپیتولاسیون آمریکا نمایان شد.
۲. تهاجم فرهنگی و اسلام‌زدایی: حمایت رژیم طاغوت از ترویج فرهنگ غرب، اشاعه بی‌بندوباری، اجرای برنامه‌های اسلام‌زدایی و جایگزینی تاریخ ستم‌شاهی به جای تاریخ اسلام.
۳. ترویج فساد و مفاسد اخلاقی: رواج فساد و فحشا و برگزاری مراسم و جشن‌های آلوده به هرزگی، از جمله «جشن هنر شیراز» (بادامچیان، ۱۳۷۷، ۱۸۵؛ طاهری، ۱۳۷۱، ۱۸۸)

با تلاش گروه‌های اسلامی اندیشه احیایی دین و بازگشت به خویشتن روز به روز نیرومندتر شد و کسانی که در انقلاب دخیل بودند به این نتیجه رسیدند که ایدئولوژی اسلامی، باید جایگزین ایدئولوژی قدیم شود، عموم مردم از آرمان‌های اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی طرفداری می‌کردند (پزشکی و همکاران، ۱۳۷۹، ۱۹). امروزه مهم‌ترین راهبرد دشمن برای مقابله با اسلام، «نفوذ فرهنگی» یا «استحاله فرهنگی» است. استحاله، حرکتی آرام و حساب‌شده است که در نهایت به تغییر دیدگاه‌های ارزشی و فرهنگی مردم می‌انجامد. آغازگران این تغییر، «التقاط» را ابزار کار خود قرار می‌دهند؛ بدین معنا که مفاهیم و ارزش‌های بیگانه را در قالب مفاهیم و ارزش‌های دینی عرضه کرده و به تدریج آن را به جامعه تزریق می‌کنند. آنان با بهره‌گیری از سیاست «جایگزینی»، به صورت خزنه، بنیان‌های فکری و فرهنگی را دگرگون می‌سازند. استعمار جهانی برای پیشبرد استحاله فرهنگی، از ابزارهای متعددی مانند جنگ روانی، شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوای هدفمند استفاده می‌کند.

#### • انقلاب مردم یمن

گونه دیگری از مقاومت در مقابل استبداد داخلی که نقش تمدنی ایفا نموده است انقلاب مردم یمن است. مقاومت مردم یمن، به‌ویژه جریان انصارالله، طی سال‌های اخیر به نماد ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی خارجی و حفظ ارزش‌های دینی و ملی تبدیل شده است. مردم یمن، که عمدتاً از سادات و پیروان وفادار اهل بیت علیهم‌السلام هستند، در دهه‌های گذشته، علیه حکومت دست‌نشانده علی عبدالله صالح قیام کرد. وی با حمایت عربستان سعودی، شرایطی تاریک و رقت بار از فقر، عقب‌ماندگی و سرکوب فرهنگی را برای یمن رقم زد. وی با بستن بنادر اقتصادی، مسدود کردن منابع ملی همچون نفت و معادن، و تسلیم سیاست‌های داخلی در برابر نفوذ عربستان، عملاً استقلال کشور را از بین برد. در این دوران، صدها مرکز ترویج افکار وهابی تأسیس شد و فعالیت‌های فرهنگی و دینی شیعیان زیدی و شافعی به شدت سرکوب شد، تا جایی که حتی چاپ و نشر کتاب‌هایی مانند «نهج البلاغه» و «صحیفه سجاده» ممنوع شد. این سرکوب‌ها سرانجام به قیامی گسترده به رهبری «سید بدرالدین حوثی» انجامید. پس از وی، فرزندش «سید حسین بدرالدین حوثی» مسیر مقاومت را ادامه داد. او با درک عمیق از تهدیدهای آمریکا و صهیونیسم علیه امت اسلامی، به روشنگری دینی و فرهنگی پرداخت و تأکید کرد که قرآن باید به عنوان راهنمای عمل در تمام عرصه‌های زندگی مورد استفاده قرار گیرد (کورانی، ۲۰۲۱، ۱۳۹۵-۲۵۱). سید حسین، مبارزه‌ای همه‌جانبه با هجوم فرهنگی وهابیت آغاز کرد و تلاش گسترده‌ای برای حفظ هویت اسلامی و یمنی مردم انجام داد. وی هشدار می‌داد که فاصله گرفتن از دین، جوامع اسلامی را به پذیرش ارزش‌های سکولار و ضد دینی سوق می‌دهد و این خطر بزرگی برای هویت امت اسلامی است (درس‌های شناخت خدا، جلسه دوم).

سرانجام، در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴، با رهبری «سید عبدالملک حوثی»، مردم یمن علیه حکومت استبدادی

و وابسته علی عبدالله صالح قیام کردند. این انقلاب مردمی، نتیجه سال‌ها ظلم، فساد و اجرای برنامه‌های استعماری به نفع آمریکا، اسرائیل و عربستان بود. عبدالملک حوثی فعلی انصار الله در سخنانی تصریح کرد که ساختار دولت پیشین، در خدمت منافع بیگانگان بود و حرکت انقلابی مردم، تلاشی برای بازگرداندن استقلال، عزت و هویت اسلامی یمن محسوب می‌شود (سایت خبری فارس، ۲۱ سپتامبر/۲۰۱۵).

نتیجه این مقاومت‌ها فروپاشی نظام استبدادی برقراری نظام اسلامی و جلوگیری از انحلال تمدن اسلام در تمدن مادی غرب (کارکرد هویتی - فرهنگی) این کارکرد، عمق استراتژیک بیشتری دارد. تهدید اصلی غرب پس از استعمار کلاسیک، «تهاجم فرهنگی» و «غرب‌زدگی» است که هدف آن ایجاد «انسان یک‌بعدی» مصرف‌گرا و بی‌هویت است. تمدن غرب با ابزارهای رسانه‌ای، آموزشی و اقتصادی در پی تحمیل سبک زندگی خود به عنوان تنها الگوی مطلوب است. جریان مقاومت در مقابل این «امپریالیسم فرهنگی» ایستاده و به عنوان یک سد هویتی عمل می‌کند و نگذاشت که تمدن اسلامی در تمدن غرب ذوب شود و نابود گردد.

مقاومت یک الگوی زندگی مبتنی بر ارزش‌هایی مانند ایثار، فداکاری، ساده‌زیستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پیوند دین با زندگی ارائه می‌دهد. شهید، شهید شدن و مفاهیمی مانند «عاشورا» در مقابل فرهنگ مصرف‌گرایی و فردگرایی افراطی غرب قرار می‌گیرد. و مقاومت صرفاً به مقابله سیاسی بسنده نکرده و به نقد بنیادهای فلسفی تمدن غرب مانند اومانیزم مفرط، سکولاریسم رادیکال و مادی‌گرایی پرداخته و آن را علت اصلی بحران‌های معنوی غرب می‌داند. همچنین مقاومت با مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از طریق تولید محتوا، هنر مقاومت و تقویت نهادهای فرهنگی خودبنیاد، مانع از استحاله فرهنگی جامعه اسلامی می‌شود.

#### ج. تقویت ظرفیت و شکوفایی استعداد تمدن سازی در جهان اسلام

تقویت ظرفیت و شکوفایی استعداد تمدن سازی در جهان اسلام (کارکرد آینده‌ساز - خلاقانه) این کارکرد، پیشرفته‌ترین و آینده‌نگرانه‌ترین نقش مقاومت است. چنانکه قبلاً گفته شد مقاومت تنها یک حرکت دفاعی نیست، بلکه یک جنبش زایا و خلاق است که شرایط را برای گذار از مرحله بقا به مرحله سازندگی تمدنی فراهم می‌کند. یک تمدن زمانی می‌تواند شکوفا شود که از حالت انفعال خارج شده و به فاعلیت برسد. مقاومت با شکستن حلقه انفعال، این فاعلیت را به جهان اسلام بازمی‌گرداند. این هدف مهم و اساسی مقاومت است در جاهای که مقاومت موفق به تأسیس نهاد شد مانند جمهوری اسلامی ایران گام‌های مهم و مؤثری برای تقویت ظرفیت و شکوفایی استعداد تمدن سازی در جهان اسلام را برداشته است. از تقویت خوداتکایی علمی - فناوری: ضرورت مقابله با تحریم‌ها و تهدیدات پیشرفته دشمن، جریان مقاومت (به ویژه در ایران) را وادار به سرمایه‌گذاری روی علم و فناوری کرده است. دستاوردهای موشکی، نانو، زیست‌فناوری و هسته‌ای نمونه‌هایی از این ظرفیت‌سازی است که می‌تواند پایه‌ای برای یک تمدن نوین اسلامی باشد.

در این بخش که نقش مهم و اساسی مقاومت در تمدن سازی و تقویت ظرفیت آشکار می‌شود، تنهاگزینه

موجود دارای شرایط تمدن سازی مقاومت ایران است و این زمینه در جمهوری اسلامی ایران مساعد شده است که نیروهای مقاومت بتوانند گام‌های عملی برای ساختن تمدن نوین اسلامی و یا توسعه تمدن اسلامی را بردارند؛ زیرا در جاهای دیگر هنوز شرایط و زمینه مساعد نشده و مقدمات و مراحل تمدن سازی به طور طبیعی طی نشده است. شرایط و مقدمات تمدن سازی باید در یک کشور فراهم شود و شاخصه‌های مورد نظر وجود داشته باشد:

نیروی انسانی به عنوان عامل اصلی توسعه و پیشرفت به حساب می‌آید، عامل موفقیت و کامیابی هر نهادی وابسته به نیروی انسان کار آمد می‌باشد. در تمدن سازی در قدم اول باید روحیه و تفکر تمدن سازی را در ملت ایجاد نمود. مقام مقام رهبری در دیدار معلمان بر این امر تأکید نموده می‌فرماید:

«[باید] بچه‌ها ارزش مقاوم بودن را بفهمند؛ [یعنی] اینکه اجزای یک ملت، اجزای مقاومتی هستند. مقاوم یعنی چه؟ یعنی در مقابل باج‌گیری عقب‌نشینی نمی‌کنند، در مقابل حمله به خودشان نمی‌لرزند، در مقابل زورگویی کوتاه نمی‌آیند؛ مقاوم یعنی این. اکسیر علاج مشکلات کشور این است: احساس مقاومت، روحیه‌ی مقاومت. خب دنیا، دنیای زورگویی است؛ همه زور می‌گویند، هر که بتواند زور بگوید زور می‌گوید؛ بزرگ و کوچک هم ندارد، شرق و غرب هم ندارد؛ باید یک ملت بتواند در مقابل زورگویی‌ها مقاومت بکند؛ این را باید از بچگی یاد بگیریم، این از نوجوانی باید در ما نهادینه بشود. یا ارزش برخورداری از اعتماد به نفس؛ اینها چیزهایی است که لازم است و باید انجام بگیرد. با اینها آن وقت آن نسل سازنده‌ی تمدن به وجود می‌آید؛ نسلی که می‌تواند ملت را عزت‌مند کند، کشور را عزت‌مند کند، به وجود می‌آید. همه‌ی اینها در مدرسه انجام می‌گیرد. ارزش معلّم را شما ببینید! آموزش و پرورش متصدّی یک چنین کاری است؛ به خاطر همین خصوصیات، وزارت آموزش و پرورش را با هیچ وزارتخانه‌ی دیگری نمی‌شود مقایسه کرد» (خامنه‌ای ۱۴۰۱/۲/۲۱)

ایشان معتقد است که احساس مقاومت و روحیه مقاومت اکسیر علاج مشکلات کشور است. از نگاه ایشان، دنیای امروز دنیای زورگویی است و ملتی می‌تواند موفق باشد که در برابر این زورگویی‌ها مقاومت کند. روحیه مقاومت باید از بچگی و نوجوانی در افراد نهادینه شود. این امر یک آموزش اساسی و پایه‌ای برای ساختن نسل آینده دانسته شده است. در کنار مقاومت، برخورداری از اعتماد به نفس به عنوان یک ارزش ضروری دیگر ذکر شده است. خلاصه سخن ایشان این است که برای رسیدن به یک تمدن شکوفا و یک کشور عزت‌مند، باید نسلی مقاوم و با اعتماد به نفس پرورش یابد و این مهم تنها از مسیر نظام آموزشی و به دست معلمان میسر است. بنابراین، مدرسه به عنوان کانون اصلی این تحول بزرگ معرفی می‌شود.

مقام معظم رهبری (عج) عصر کنونی را زمان مناسبی برای تمدن‌سازی دانسته و تأکید نموده‌اند که به برکت

انقلاب اسلامی، مراحل مقدماتی شکل‌گیری تمدن اسلامی طی شده است. از دیدگاه ایشان، هدف نهایی انقلاب اسلامی، دستیابی به تمدن نوین اسلامی است که برای تحقق آن، پنج مرحله اساسی باید سپری شود: این مراحل به صورت زنجیره‌ای منطقی و تدریجی عبارت‌اند از:

انقلاب اسلامی (آغاز بیداری اسلامی)، تشکیل نظام اسلامی (استقرار ساختار حکومتی دینی)، تشکیل دولت اسلامی (حاکمیت ارزش‌های اسلامی در حکمرانی)، تشکیل جامعه اسلامی (تعمیم ارزش‌ها در تمام سطوح جامعه)، تشکیل امت اسلامی (گسترش الگو به کل جهان اسلام). (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۸/۲۴)

بر اساس این رهنمودها، پیروزی انقلاب اسلامی موقعیتی بی‌نظیر برای ملت ایران و امت اسلامی به وجود آورده تا زمینه‌های لازم برای تأسیس تمدن نوین اسلامی فراهم گردد. شاخصه‌های یک جامعه که بخواهد تمدن نوین اسلامی را بسازد رهبر انقلاب در یکی از صحبت‌های خود در باره شاخص‌های افراد و جامعه تمدن ساز می‌فرماید:

«ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما - یعنی مسئولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضاییه، قوه‌ی مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لُنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لُنگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌یی که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پابندی خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته دشمنان نمی‌خواهند؛ جنجال و هیاهو می‌کنند؛ اهمیتی هم ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۶)

شاخصه‌هایی متعددی برای یک جامعه تمدن ساز معرفی می‌نماید، تحول درونی و پابندی به ارزش‌های

اسلامی (بُعد فردی و اخلاقی)، نظام‌سازی و حکمرانی اسلامی (بُعد ساختاری و حاکمیتی)، تکامل تدریجی و حرکت مرحله‌ای (بُعد فرآیندی)، تعامل هوشمند با جهان (بُعد تعاملی و بین‌المللی) کارآمدی و اثربخشی (بُعد عملکردی) بنابراین، جامعه تمدن‌ساز از نگاه مقام رهبری، جامعه‌ای است که ارزش‌های اسلامی را در درون افراد و نهادهای خود نهادینه کند، بر اساس آن نظام حکمرانی کارآمدی بسازد، به صورت تدریجی و مرحله‌ای به سمت اهداف کلان حرکت کند، در عرصه بین‌المللی با حفظ اصول، از پیشرفت دنیا بهره‌گیر و کارآمدی خود را در عمل به جهانیان اثبات نماید. و همچنین مقاومت منجر به شکل‌گیری نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدیدی شده که برخاسته از درون جهان اسلام هستند (مانند ساختار حزب الله لبنان یا نهادهای بسیج مردمی). این نهادها، آزمایشگاه‌های تجربه مدلهای جدید حکمرانی هستند. مقاومت، عقلانیت «تمسک به دین» را نه به عنوان امری گذشته‌نگر، بلکه به عنوان منبعی برای حل مسائل معاصر و آینده‌ساز احیا کرده است. این نگاه، اعتماد به نفس برای ارائه مدلهای بومی توسعه را تقویت می‌کند.

جمع‌بندی نهایی: این سه کارکرد در یک زنجیره منطقی و تکاملی قرار دارند:

بقا (جلوگیری از فروپاشی): شرط لازم اولیه.

تمایز هویتی (جلوگیری از انحلال): شرط کیفی برای حفظ اصالت.

شکوفایی (ظرفیت تمدن‌سازی): هدف نهایی و مرحله خلاقیت.

جریان مقاومت، با ایفای همزمان این نقش‌ها، تلاش می‌کند تا جهان اسلام را از حاشیه تاریخ به کانون تحولات بازگرداند و با عبور از دوران دفاع، عصر جدیدی از سازندگی تمدنی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی- انسانی را رقم بزند. موفقیت نهایی آن منوط به توانایی آن در تبدیل این ظرفیت‌ها به یک پروژه تمدنی همه‌جانبه، عقلانی و جذاب برای نسل‌های آینده است.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین علمی نقش و جایگاه تمدنی مقاومت اسلامی و با تمرکز بر این پرسش اساسی که «آیا مقاومت اسلامی صرفاً یک راهبرد دفاعی است یا می‌تواند به‌عنوان یک الگوی تمدن‌ساز عمل کند؟» به بررسی ابعاد مختلف این مفهوم می‌پردازد. پس از تحلیل و بررسی، ضمن بیان مفاهیم کلیدی، ماهیت مقاومت تبیین شد؛ مقاومت تنها یک «ابزار» نیست، بلکه یک «طرح» است. هدف آن نه فقط بقای فیزیکی، بلکه «بازسازی هویت» و «احیای اراده یک ملت» است. از لحاظ مبانی، ایستادگی در مقابل اشغالگران یا حکومت‌های استبدادی در فقه، به‌ویژه در فقه سیاسی شیعه، دفاع محسوب می‌شود. همچنین، مقاومت دارای پیشینه‌ای طولانی است که به تاریخ انبیاء بازمی‌گردد، اما در این مقاله تنها به مقاومت در تاریخ معاصر پرداخته می‌شود. نتیجه اصلی و کلی تحقیق نشان می‌دهد که مقاومت اسلامی فراتر از یک استراتژی دفاعی موقت است و یک پارادایم تمدن‌ساز است که در سه سطح کلان نقش‌آفرینی می‌کند و زمینه‌ساز ظهور تمدن نوین اسلامی مبتنی بر عدالت و معنویت است. این جریان فکری، یک طرح بزرگ تمدنی است که هم برای بقاء تمدن اسلامی و هم برای سازندگی و ایجاد تمدن نوین اسلامی برنامه‌ریزی کرده است.

شاخص‌های کلیدی مقاومت که بر تمدن‌سازی تأثیرگذارند، در سه حوزه اصلی قابل دسته‌بندی است: این شاخص‌ها به صورت یک زنجیره تکاملی است. ابتدا مقاومت با کارکرد دفاعی مانند دفاع مردم‌پایه، حفظ سرزمین‌های اسلامی (هسته سخت تمدن) و مقدسات، شرط لازم (بقا) را فراهم می‌سازد. سپس با کارکرد هویتی مانند توحیدباوری، وحدت کلمه، استقلال فرهنگی، مقابله با تهاجم فرهنگی و احیای ارزش‌هایی چون جهاد و شهادت، شرط کیفی (حفظ اصالت) را محقق می‌نماید و در نهایت، با کارکرد خلاقانه، مانند خوداتکایی علمی و فناوری، نهادسازی مبتنی بر الگوی اسلامی، ایجاد همگرایی فراملی (امت واحده) و اعتماد به نفس برای ارائه مدل‌های بومی توسعه به هدف نهایی (شکوفایی و تمدن‌سازی) دست می‌یابد.

تبیین نقش تمدنی مقاومت به این صورت است که مقاومت اسلامی به عنوان پاسخی فعال به بحران هویت و انفعال در جهان اسلام، سه نقش محوری و به هم پیوسته در سرنوشت تمدن اسلامی ایفا می‌کند: کارکرد اول: جلوگیری از فروپاشی (حفظ موجودیت تمدن): مقاومت با احیای گفتمان «عزت و استقلال» و ایستادگی در برابر اشغالگران (مانند نمونه‌های افغانستان، فلسطین و لبنان)، مانع از نابودی «هسته سخت» تمدن اسلامی شده است. به تجربه و مطالعه تاریخی ثابت شده است که در مناطقی که مقاومتی صورت نگرفت (مانند اندلس یا بخشی از آسیای میانه)، با اشغال سرزمین‌های اسلامی توسط دشمنان تمدن اسلامی به طور کامل از صفحه تاریخ محو شد.

کارکرد دوم: جلوگیری از انحلال (حفظ هویت تمدن): مقاومت به عنوان سدی در برابر «امپریالیسم

فرهنگی» غرب عمل می‌کند. با نقد بنیادهای فلسفی تمدن غرب (اومانیزم، سکولاریسم، مادی‌گرایی) و ارائه آلترناتیوی مبتنی بر ارزش‌های اصیل اسلامی (ایثار، معنویت، مسئولیت اجتماعی)، از استحاله فرهنگی و زوال هویت امت اسلامی جلوگیری می‌نماید. انقلاب اسلامی ایران و قیام مردم یمن نمونه‌های بارز این کارکرد هستند.

کارکرد سوم: تقویت ظرفیت تمدن‌سازی (زمینه‌سازی برای شکوفایی) این سطح، پیشرفته‌ترین نقش مقاومت را نشان می‌دهد که فراتر از دفاع، به سمت سازندگی و شکوفایی حرکت می‌کند. مقاومت با شکستن حلقه انفعال، «فاعلیت» را به جهان اسلام بازمی‌گرداند. کارکرد سوم به صورت عملی فقط در یکی از محورهای مقاومت (ایران) به صورت عملی محقق شده است و این امر از طریق تقویت خوداتکایی علمی و فناوری (مانند دست‌آورد‌های موشکی، هسته‌ای و نانو) و ایجاد نهادهای نوین سیاسی-اجتماعی برآمده از بطن اسلام (مانند حزب الله و بسیج مردمی)، احیای عقلانیت دینی برای حل مسائل معاصر، و ایجاد همگرایی فراملی حول محور آرمان «امت واحد» محقق می‌شود. این اقدامات، بسترها و زمینه‌ها آزمایشگاه‌های لازم برای گذار به مرحله «تمدن‌سازی فعال» را فراهم می‌سازد.

سخن پایانی: تمدن نوین اسلامی نه در سایه انفعال و تقلید، بلکه در پرتو اراده، ایستادگی و خلاقیت یک امت زنده و مقاوم متولد می‌گردد. مقاومت اسلامی با ایفای نقش سه‌گانه «حفظ، تمایز و شکوفایی»، پویایی و حیات را به کالبد تمدن اسلامی بازمی‌گرداند و عرصه را برای عبور از دوران انفعال و رکود و ورود به عصر طلایی سازندگی تمدنی فراهم می‌سازد. موفقیت نهایی این پروژه تمدنی منوط به توانایی جریان مقاومت در تداوم بخشیدن به این نقش‌ها و تبدیل ظرفیت‌های موجود به یک الگوی عینی، جذاب و همه‌جانبه برای همه ملت‌های مسلمان است.

## فهرست منابع

## • قرآن

۱. آشوری، داریوش، **تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ**، تهران، مرکز اسناد آسیا، ۱۳۷۵.
۲. آل عصفور، شیخ حسین، **سداد العباد و رشاد العباد**، قم، چاپخانه علمی، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن منظور، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق، ج ۲.
۴. ابن اثیر جزری، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دارالصادر، ۱۳۸۵ق، ج ۳.
۵. ابن بطلال البکری القرطبی، ابوالحسن علی بن خلف بن عبد الملک (المتوفی ۴۴۹هـ)، **شرح صحیح البخاری**، ناشر: مکتبة الرشد - السعودية / الرياض، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۳هـ - ۲۰۰۳م ج ۱۰.
۶. ابن أبي العز، علی بن علی، **شرح العقیلة الطحاویة**، بغداد، دار الکتاب العربی، ۲۰۰۵م، ج ۲.
۷. اسد اللهی، مسعود، **جنبش حزب الله لبنان، گذشته و حال**، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
۸. امام خمینی، سید روح الله، **صحیفه نور**، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، ج ۱۵.
۹. امین، سید محسن، **المقتل الحسینی**، دمشق، ۱۳۲۹ق.
۱۰. انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱، ج ۳.
۱۱. اولیویه‌روا، اندره بریگو، **جنگ افغانستان، دخالت شوروی و نهضت مقاومت**، مترجم، ابوالحسن سرو مقدم، چاپ مشهد، ۱۳۶۶.
۱۲. بادامچیان، اسدالله، **شناخت انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، **صحیح البخاری**، ج ۹.
۱۴. پزشکی، محمد و همکاران، **انقلاب اسلامی چرایی و چگونگی رخداد آن**، قم، انتشارات معارف، چ پنجم، ۱۳۷۹.
۱۵. **تاریخ احزاب شیعی لبنان**، ترجمه و گردآوری جواد اصغری، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه، ۱۳۷۵.
۱۶. جعفری، محمدتقی، **فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۱۷. حلاج نیشابوری، محسن، **درآمدی بر غرب‌شناسی سیاسی سراب تمدن غرب**، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۷.
۱۸. خسروپناه، عبدالحسین، **جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها**، قم، مؤسسه حکمت نوین، ۱۳۸۹.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین، **المفردات فی غریب القرآن**، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۰. روحانی، سید حمید، **بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی**، بی جا، ۱۳۵۶.
۲۱. سازمان نصر افغانستان، **مقدمه‌ای بر تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی افغانستان**، ۱۳۵۹.
۲۲. سمنانی، علاءالدوله احمد بن محمد، **العروة لاهل الخلوه و الجلوه**.
۲۳. شنقیطی، محمدالأمین بن محمد بن المختار، **اضواء البیان**، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
۲۴. شیرازی، ناصر مکارم و همکاران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳، ج ۶.
۲۵. الغنوشی، راشد، «**الحركة الإسلامية ومسألة التغيير**»، بیروت، المؤسسه الاسلامیه، ترجمه مسعود اسداللهی، ۱۳۶۸.
۲۶. طاهری، حبیب الله، **انقلاب و ریشه‌ها**، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۱.





۲۷. طباطبایی سید مصطفی (مترجم) فرهنگ نوین، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۰.
۲۸. الطباطبائی، السیدعلی، ریاض المسائل، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق، ج ۷.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری تاریخ الامم والملوک، بیروت: روائع التراث العربی، ۱۳۸۷ق، ج ۴.
۳۰. قرضاوی، یوسف، اخوان المسلمین هفتاد سال دعوت و تربیت و جهاد، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران، نشر احسان، چ اول، ۱۳۸۱.
۳۱. قطب، محمد، بیداری اسلامی، ترجمه: صباح زنگنه، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
۳۲. کاشف الغطاء، الشیخ جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط. ج) قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲ق، ج ۴.
۳۳. کورانی، علی، پیشگامان یمنی، مترجم: سیدحسین فاطمی نژاد. ۱۳۹۵.
۳۴. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ و تمدن اسلامی.
۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی، تهاجم فرهنگی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
۳۶. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قراقرگاه ثارالله تهران، نفوذ واستحاله، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قراقرگاه ثارالله تهران، ۱۳۷۷.
۳۷. المقدسی، الإمام أبی عبد الله محمد بن مفلح (المتوفی ۷۶۳هـ)، الأدب الشرعی والمنح المرعی، تحقیق: شعیب الأرنؤوط / عمر القیام، دار النشر: مؤسسة الرسالة- بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۶م، ج ۱.
۳۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ: الثالثة، ۱۳۶۲ ش، ج ۲۱.
۳۹. نووی شافعی، یحیی بن شرف، شرح النووی علی صحیح مسلم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲.
۴۰. النیسابوری القشیری، ابوالحسن مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، ناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت، ج ۳.
۴۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ش، ج ۱.
۴۲. هایمن، آنتونی، افغانستان زیر سلطه شوروی، ترجمه اسدالله طاهری، تهران، شبانویز، چ چهارم، ۱۳۷۷.

#### ● مقالات

۴۳. اسد آبادی، سید جمال الدین، مجله عروة الوثقی.
۴۴. اسپوزیتو، جان. ال، جنگ خلیج فارس، جنبش های اسلامی ونظم نوین جهانی، ترجمه م. ضیایی، دانش سیاسی، شماره سوم، بهمن واسفند ۱۳۷۲، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)
۴۵. بابایی، حسن، راه های مقابله با تهاجم فرهنگی، مجله مبلغان، دی و بهمن ۱۳۸۳.
۴۶. رضا خواه، علی رضا، بیداری اسلامی وآینده محور مقاومت، ماهنامه زمانه، شماره ۳۲-۳۱، ۱۳۹۲.
۴۷. شیرازی، ابوالحسن وحیبالله ورضا پارسه، ائتلاف سه گانه ایران، سوریه وحزب الله وتأثیر آن بر منافع امریکا در خاور میانه، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره اول، ۱۳۹۳.
۴۸. کریمی، ابوالفضل کریمی، نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور

مقاومت، پژوهش ملل، شماره ۲۰، ۱۳۹۶.

۴۹. محمدی سیرت، حسین، محمود ترابی اقدم، الگوی نمایش نقش امنیت آفرین بازنمایی شهیدان محور

مقاومت در رسانه ملی، دوره ۳، شماره ۱، تیر ۱۳۹۶.

۵۰. نبوی، سید عبدالامیر، اسلام سیاسی در مصر، گذار به حداقل گرای سیاسی، «فصلنامه مطالعات خاور میانه،

سال دوازدهم، ش ۱، بهار ۱۳۸۲.

۵۱. میر قادری وکیانی، بن مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن، دوره اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۱.

۵۲. مجله الدعوة، شماره ۱۱۵، سپتامبر ۱۹۸۶.

#### • سایت‌ها

۱. سایت حوزه.

۲. سایت خبری فارس.

53. [https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id =](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=)

۵۴. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۷۱/۵/۲۱.

۵۵. بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۷۱/۴/۲۱.

۵۶. آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۵/۲۹.

۵۷. بیانات در دیدار معلمان، ۱۴۰۱/۲/۲۱.

۵۸. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۵۹. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۸/۶.

۶۰. بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیار ۱۳۹۳/۷/۱۳.

۶۱. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹.